

Readings for the Epiphany Procession, 2026

First Reading Matthew 2:1-12

In the time of King Herod, after Jesus was born in Bethlehem of Judea, wise men from the East came to Jerusalem, asking, "Where is the child who has been born king of the Jews? For we observed his star at its rising, and have come to pay him homage." When King Herod heard this, he was frightened, and all Jerusalem with him; and calling together all the chief priests and scribes of the people, he inquired of them where the Messiah was to be born. They told him, "In Bethlehem of Judea; for so it has been written by the prophet:

'And you, Bethlehem, in the land of Judah, are by no means least among the rulers of Judah; for from you shall come a ruler who is to shepherd my people Israel.'"

Then Herod secretly called for the wise men and learned from them the exact time when the star had appeared.

Then he sent them to Bethlehem, saying, "Go and search diligently for the child; and when you have found him, bring me word so that I may also go and pay him homage." When they had heard the king, they set out; and there, ahead of them, went the star that they had seen at its rising, until it stopped over the place where the child was. When they saw that the star had stopped, they were overwhelmed with joy. On entering the house, they saw the child with Mary his mother; and they knelt down and paid him homage. Then, opening their treasure chests, they offered him gifts of gold, frankincense, and myrrh. And having been warned in a dream not to return to Herod, they left for their own country by another road.

عیسی در زمان سلطنت "هیرودیس"، در شهر "بیت لحم" یهودیه دنیا آمد. در آن هنگام چند مجوس ستاره‌شناس از مشرق زمین به اورشلیم آمده، پرسیدند: "کجاست آن کودکی که باید پادشاه یهود گردد؟ ما ستاره او را در سرزمینهای دوردست شرق دیده‌ایم و آمده‌ایم تا او را بپرستیم." وقتی این مطلب به گوش هیرودیس پادشاه رسید، سخت پریشان شد. تمام مردم اورشلیم نیز از ماجرا آگاهی یافتند. او تمام علمای مذهبی قوم یهود را فراخواند و از ایشان پرسید: "طبق پیشگویی پیامبران، مسیح در کجا باید دنیا آید؟" ایشان پاسخ دادند: "باید در بیت‌لحم متولد شود زیرا میکای نین پیشگویی کرده است: ای بیت‌لحم، ای شهر کوچک، تو در یهودیه، دهکده‌ای بی‌ارزش نیستی، زیرا از تو پیشوایی ظهور خواهد کرد که قوم بنی‌اسرائیل را رهبری خواهد نمود." آنگاه هیرودیس پیام محرمانه‌ای برای مجوسیان ستاره‌شناس فرستاد و از ایشان خواست تا به ملاقات او بیایند و به او اطلاع دهند که اولین بار ستاره را در چه زمانی دیده‌اند. پس به ایشان گفت: "به بیت‌لحم بروید و به دقت به جستجوی آن طفل پردازید. آنگاه نزد من بازگشته، به من خبر دهید تا من نیز بروم و او را بپرستم." پس از این گفت و گو، ستاره‌شناسان به راه خود ادامه دادند. ناگهان ستاره را دیدند که در پیشاپیش آنان حرکت می‌کند، تا به بیت‌لحم رسیده، بالای جایی که کودک در آنجا بود ایستاد. ستاره‌شناسان از شادی در پوست نمی‌گنجیدند. وقتی وارد خانه‌ای شدند که کودک و مادرش مریم در آن بودند، پیشانی بر خاک نهاده، کودک را پرستش کردند. سپس هدایای خود را گشودند و طلا و عطر و مواد خوشبو به او تقدیم کردند. اما در راه بازگشت به وطن، از راه اورشلیم مراجعت نکردند تا به هیرودیس گزارش بدهند، زیرا خداوند در خواب به آنها فرموده بود که از راه دیگری به وطن باز گردند.

Second Reading : Matthew 3.13-end

Jesus came from Galilee to John at the Jordan, to be baptised by him. John would have prevented him, saying, "I need to be baptized by you, and yet you come to me?" But Jesus answered him, "Let it be so now; for it is proper for us in this way to fulfil all righteousness." Then he consented. And when Jesus had been baptized, just as he came up from the water, suddenly the heavens were opened to him and he saw the Spirit of God descending like a dove and alighting on him. And a voice from heaven said, "This is my Son, the Beloved, with whom I am well pleased."

در آن زمان، عیسی از ایالت جلیل بسوی رود اردن به راه افتاد تا در آنجا از یحیی تعمید گیرد.
14 اولی یحیی مانع او شد و گفت: "این کار، شایسته نیست. این منم که باید از تو تعمید بگیرم."
15 اما عیسی گفت: "مرا تعمید بده زیرا اینچنین، حکم خدا را بجا می‌آوریم." پس یحیی او را تعمید داد.
16 پس از تعمید، در همان لحظه که عیسی از آب بیرون می‌آمد، آسمان باز شد و یحیی روح خدا را دید که به شکل کبوتری پایین آمد و بر عیسی قرار گرفت. آنگاه ندایی از آسمان در رسید که "این فرزند عزیز من است که از او خوشنوم

Main Gospel Reading John 2:1-11

On the third day there was a wedding in Cana of Galilee, and the mother of Jesus was there. Jesus and his disciples had also been invited to the wedding. When the wine gave out, the mother of Jesus said to him, "They have no wine." And Jesus said to her, "Mother, what concern is that to you and to me? My hour has not yet come." His mother said to the servants, "Do whatever he tells you." Now standing there were six stone water jars for the Jewish rites of purification, each holding twenty or thirty gallons. Jesus said to them, "Fill the jars with water." And they filled them up to the brim. He said to them, "Now draw some out, and take it to the chief steward." So they took it. When the steward tasted the water that had become wine, and did not know where it came from (though the servants who had drawn the water knew), the steward called the bridegroom and said to him, "Everyone serves the good wine first, and then the inferior wine after the guests have become drunk. But you have kept the good wine until now." Jesus did this, the first of his signs, in Cana of Galilee, and revealed his glory; and his disciples believed in him.

انجیل یوحنا باب ۲: ۱-۱۱
دو روز بعد، مادر عیسی در یک جشن عروسی در دهکده "قانا" در جلیل مهمان بود. عیسی و شاگردان او نیز به عروسی دعوت شده بودند. هنگام جشن، شراب تمام شد. مادر عیسی با نگرانی نزد او آمد و گفت: "شرابشان تمام شده است." عیسی فرمود: "از من چه می‌خواهی؟ هنوز وقت آن نیست که معجزه‌ای انجام دهم." با اینحال، مادر عیسی به خدمتکاران گفت: "هر دستوری به شما می‌دهد، اطاعت کنید." در آنجا شش خمره سنگی بود که فقط در مراسم مذهبی از آن استفاده می‌شد و گنجایش هر کدام حدود لیتر بود. عیسی به خدمتکاران فرمود: "این خمره‌ها را پر از آب کنید." وقتی پر کردند، فرمود: "حالا کمی از آن را بردارید و نزد گرداننده مجلس ببرید!" وقتی گرداننده مجلس آن آب را که شراب شده بود چشید، داماد را صدا زد و گفت: "چه شراب خوبی! مثل اینکه شما با دیگران خیلی فرق دارید، چون معمولاً در جشنها، اول با شراب خوب از مهمانها پذیرایی می‌کنند و بعد که همه سرشان گرم شد، شراب ارزانتر را می‌آورند. ولی شما شراب خوب را برای آخر نگه داشته‌اید." او نمی‌دانست که شراب از کجا آمده است، ولی خدمتکاران می‌دانستند. این معجزه عیسی در دهکده قانای جلیل، اولین نشانه قدرت دگرگون کننده او بود و شاگردان ایمان آوردند که او واقعاً همان مسیح است.